



**Perfect Worlds in the Sermon of Ashbah;
(Analysis of sermon 91 of Nahj al-Balagheh with the approach of Paul Werth's World Text)**



Doi:10.22067/jall.2025.90538.1474

Golafrooz Mohebi ¹ 

Ph.D in Arabic Language and Literature, Kashan University, Kashan, Iran

Hossein Navazani 

Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Semnan University, Semnan, Iran

Received: 11 July 2025 ■ Received in Revised form: 16 October 2025 ■ Accepted: 23 November 2025

Abstract

Paul Werth's (1999) text world approach posits that texts are independent worlds with their own rules and internal structures, focusing on the mental structures embedded within them. This methodology aids in comprehending the text's underlying meaning and message through an analysis of the relationships among its elements, such as characters, locations, and events. Its foundation lies in the three worlds: text, discourse, and subtext. This article employs discourse analysis to examine the structure and meaning of the sermon 91 of Imam Ali (P.B.H.), known as the Sermon of Ashbah. By applying Paul Werth's concept of discourse worlds, this article addresses the text's multiple layers of meaning and interconnected concepts, identified by scrutinizing key world-building elements like characters and themes. The core research question is how the text world creation process, within Werth's framework, generates meaning through harmony among these distinct textual worlds. Furthermore, this paper investigates the interrelationships between these discursive worlds and their contribution to the sermon's coherence and overarching meaning. Findings reveal a multifaceted text that moves beyond simple religious discourse, offering profound insights into the nature of existence, human purpose, and the divine. The sermon is structured into different discourse worlds primarily centered on existence, creation, and humanity's place in the world. The human discourse world specifically addresses man's role in the world, his relationship with God, and his moral obligations, emphasizing free will, faith, worship, and humanity's ultimate destiny.

Keywords: Text world, Discursive Worlds, Discourse Analysis, Paul Werth, Sermon 91 of Nahj al-Balagha.

1. Corresponding Author. Email: golafrooz4519908401@grad.kashanu.ac.ir



زبان و ادبیات عربی، دوره هفدهم، شماره ۲ (پیاپی ۴۱) تابستان ۱۴۰۴، صص: ۶۵-۴۴

جهان‌های متکامل در خطبه اشباح؛

(تحلیل خطبه ۹۱ نهج البلاغه با رویکرد جهان متن پل ورث)



(پژوهشی)



گل‌افروز محبی^۲  (دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه کاشان، ایران)

حسین نوازی  (استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه سمنان، ایران)

Doi:10.22067/jall.2025.90538.1474

چکیده

رویکرد جهان متن پل ورث (۱۹۹۹) با تأکید بر ساختارهای ذهنی پنهان در متن، آن را یک جهان مستقل با قوانین و ساختارهای درونی خود می‌نگرد. این رویکرد با کمک تحلیل روابط، میان عناصر مختلف متن مانند شخصیت‌ها، مکان‌ها و رویدادها به درک بهتر معنا و پیام نهفته در متن کمک می‌کند. جهان‌های سه‌گانه متن، گفتمان و زیرشمول اساس آن هستند. این مقاله از رویکرد تحلیل گفتمان برای بررسی ساختار و معنای خطبه ۹۱ امام علی (ع) که به خطبه اشباح معروف است، استفاده می‌کند. با هدف به‌کارگیری مفهوم جهان‌های گفتمانی پل ورث، این جستار به لایه‌های معنایی متعدد و مفاهیم به‌هم‌پیوسته نهفته در متن می‌پردازد که با بررسی عناصر کلیدی که این دنیاها را می‌سازند، مانند شخصیت‌ها، مضامین متن شناسایی می‌شوند. مسأله پژوهش، این است که چگونه فرآیند جهان متن در چارچوب رویکرد ورث با ایجاد هماهنگی بین جهان‌های مختلف متن به معناسازی می‌پردازد. علاوه بر این، این مقاله به بررسی روابط بین این جهان‌های گفتمانی و چگونگی کمک آن‌ها به انسجام و معنای کلی خطبه می‌پردازد. یافته‌ها، متنی چندوجهی را نشان می‌دهد که از گفتمان ساده دینی فراتر می‌رود و بینش عمیقی در مورد ماهیت هستی، هدف انسانی و امر الهی ارائه می‌دهد. این خطبه به جهان‌های گفتمانی مختلفی تقسیم شده که به‌طور عمده بر هستی و آفرینش و جایگاه انسان در جهان تمرکز دارند. جهان گفتمانی انسان به نقش انسان در جهان، رابطه او با خدا و تعهدات اخلاقی او می‌پردازد. این جهان بر مفهوم اراده آزاد، اهمیت ایمان و عبادت و سرنوشت نهایی بشریت تأکید دارد.

کلیدواژه‌ها: جهان متن، جهان‌های گفتمانی، تحلیل گفتمان، پل ورث، خطبه ۹۱ نهج البلاغه.

۱. مقدمه

نظریه جهان متن^۱، یک ابزار مناسب برای درک و بررسی متون ادبی و زبانی است. با استفاده از این نظریه و با تمرکز بر ذهن خواننده می‌توان فهمید که چگونه با خواندن متن، یک جهان کامل در ذهن انسان ساخته می‌شود. این جهان ذهنی بر اساس عناصر زبانی مانند کلمات و ساختار جمله‌ها و هم‌چنین، تجربیات پیشین خواننده شکل می‌گیرد. نظریه جهان متن با نگرشی نوآورانه به فرآیند خواندن، هر متن را دریچه‌ای به سوی جهانی تازه معرفی می‌کند. این نظریه که توسط پُل ورث^۲ (۱۹۹۹) پایه‌گذاری شد و سپس توسط محققانی چون پیترا استاک‌ول^۳ (۲۰۰۲) و جوانا گاوینز^۴ (۲۰۰۷) گسترش یافت بر نقش فعال خواننده در ساخت معنای متن تاکید دارد. در این نظریه، خواننده با بهره‌گیری از دانش پیشین خود، کلمات و جملات را به هم پیوند می‌زند و جهانی معنایی را می‌سازد که فراتر از مجموع اجزای آن است. کتاب‌های «جهان‌های متن» نوشته ورث و «بوطیقای شناختی» نوشته استاک‌ول، منابع مهمی برای مطالعه و کاربرد این نظریه به شمار می‌روند. با توجه به نمود بارز جهان گفتمانی در نهج‌البلاغه، مسأله این پژوهش این است که از بازتاب بررسی رویکرد جهان متن ورث در متن نهج‌البلاغه به‌عنوان یکی از متون قابل توجه ادبی چه نتایجی حاصل می‌شود. به عبارت دیگر، پژوهش حاضر در راستای پاسخ به پرسش‌هایی است، مبنی بر این‌که: ۱. جهان‌های متن در خطبه اشباح طبق رویکرد ورث کدامند؟ و ۲. از ورای بررسی رویکرد ورث در متن خطبه اشباح، چه ارتباطی بین جهان‌های سه‌گانه موجود در متن خطبه قابل مشاهده است؟ با استفاده از رویکرد جهان متن ورث، فرضیات پژوهش، مبنی بر این‌که: ۱. بازتاب رویکرد ورث در متن خطبه اشباح به شناسایی جهان‌هایی حول محور خداوند و انسان و مفاهیم مربوط به آن- هاست و هم‌چنین ۲. با توجه به انسجام متنی در نهج‌البلاغه، جهان‌های متن خطبه، یکدیگر را پوشش می‌دهند و در یک راستا تداخل معنایی دارند، مورد ارزیابی واقع می‌شود. برای ارزیابی فرضیات یادشده در این پژوهش، پس از بررسی تفصیلی رویکرد جهان متن ورث به تحلیل خطبه اشباح پرداخته و با بهره‌گیری از این رویکرد، جهان‌های متن خطبه اشباح، معرفی و تبیین شده است. بدین ترتیب، ضمن ارائه یک تحلیل گفتمانی از متن خطبه، جهان‌های معنایی آن ارائه شده است. متن خطبه اشباح، پیکره داده‌های این پژوهش را تشکیل می‌دهد و هدف این پژوهش، بررسی جهان متن در رویکرد نهج‌البلاغه، جهت آشکارسازی جهان گفتمانی در متن می‌باشد.

۱.۱. پیشینه پژوهش

طبق بررسی‌های صورت گرفته به برخی از پژوهش‌هایی که با محوریت خطبه اشباح انجام شده است، اشاره می‌شود: نظری و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله «سبک‌شناسی خطبه اشباح نهج‌البلاغه» نشان داده‌اند که این خطبه در سطوح سه‌گانه سبکی به هم پیوسته و اندام‌وار، اندیشه‌های بلند امام علی(ع) را به تصویر کشانده است. هم‌چنین، سلیمی و انصاری (۱۳۹۹) در مقاله «بررسی کیفیت ترجمه نهج‌البلاغه مبتنی بر الگوی نقش‌گرای هاوس؛ مطالعه موردی ترجمه علامه جعفری و شهیدی از خطبه اشباح» با بررسی کیفی ترجمه این دو مترجم، اظهار داشته‌اند که با توجه به ارائه دو نوع ترجمه آشکار و پنهان و بررسی خطاهای آشکار و پنهان ارائه شده توسط هاوس، هر دو مترجم، ترجمه‌ای آشکار از متن ارائه داده‌اند و در مواردی چند، دست به تغییراتی زده‌اند که متناسب با آن ترجمه علامه شهیدی نسبت به ترجمه علامه جعفری آشکارتر است. قهرمانی و پرشور (۱۳۹۹) در مقاله «زیبایی‌شناسی ایقاع توازی در خطبه اشباح» با نگاه

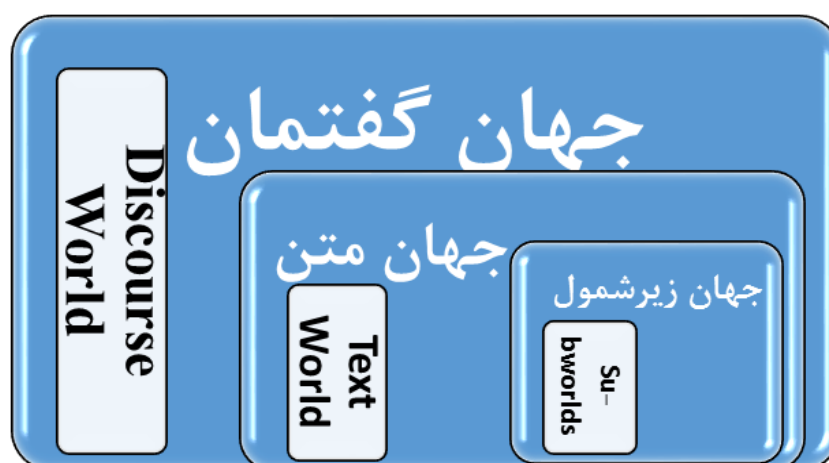
زیبایی‌شناحتی به متن خطبه به این نتیجه رسیده‌اند که هر دو نوع ایقاع توازی (توازی مزدوج و توازی مفرد) در این خطبه به چشم می‌خورد. مسبوق و همکاران (۱۴۰۰) نیز در مقاله «بررسی و تبیین وجه تسمیه خطبه اشباح با تکیه بر نظریه یاکوبسن» با دیدگاه فرمالیستی به خطبه به این نتیجه رسیده‌اند که، امام (ع) با استفاده از امکان صدق و کذب پیام‌های ارجاعی، موفق به ایجاد درک وجدانی از محدودیت ادراکی بشر در مخاطب گردیده است. در رابطه با کاربست نظریه پل‌ورث نیز پژوهش‌های نادری در حوزه علوم دینی انجام شده که در این راستا لطیف‌نژاد رودسری (۱۴۰۲) مقاله‌ای کنفرانسی با عنوان «بررسی جهان معرفت‌شناختی امام علی (ع) در خطبه ۱۰۸ نهج‌البلاغه بر اساس جهان‌های سه‌گانه» نگاشته که یافته‌های این پژوهش نشان داده است که در «جهان متن» خطبه مذکور به دلیل داشتن ماهیت تعاملی از سه نوع متن توصیفی، گفتمانی و ابزاری استفاده شده است و سه جهان زیرشمول اشاری، نگرشی و معرفتی در متن به‌کار رفته است.

طبق بررسی‌های صورت‌گرفته، تاکنون پژوهشی در راستای بررسی جهان‌های متن خطبه اشباح از منظر پل‌ورث، صورت نگرفته است؛ بنابراین این اثر، اولین پژوهشی است که به بررسی جهان متن خطبه اشباح براساس دیدگاه پل‌ورث پرداخته است.

۲. چارچوب نظری

زبان‌شناسی شناختی یک رهیافت نظری در مطالعه زبان است که در تقابل با سنت‌های صورت‌گرا^۵ شکل گرفته است. این پارادایم، زبان را نه یک نظام نمادین مستقل از فرایندهای شناختی، بلکه به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از ظرفیت‌های عمومی شناختی انسان می‌بیند و بر این فرض استوار است که ساختارهای زبانی، محصول سازوکارهای شناختی سطح بالاتر، مانند ادراک، توجه، حافظه، استدلال و مفهوم‌سازی هستند. بنابراین، معنا در این رویکرد هسته اصلی تحلیل است؛ به‌همین دلیل، معنی‌شناسی شناختی در مرکز ثقل این مکتب قرار دارد. از مهم‌ترین مفاهیم نظری در این رویکرد، استعاره مفهومی^۶، طرح‌واره‌های تصویری^۷، فضاها^۸ ذهنی را می‌توان نام برد. شعرشناسی شناختی نیز یک رویکرد بین‌رشته‌ای است که در دهه‌های اخیر به‌عنوان یک شاخه مهم از زبان‌شناسی و نقد ادبی مطرح شده است. شعرشناسی شناختی برخلاف رویکردهای سنتی که عمدتاً بر تحلیل ساختار متن (شکل‌گرایی) یا بافت تاریخی و اجتماعی (نقد تاریخی) تمرکز دارند به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه ذهن انسان، متن شعری را درک و تجربه می‌کند. مهم‌ترین اصل آن، این است که زبان، پدیده‌ای ذهنی است. بنابراین، شعرشناسی شناختی، شعر را نه فقط به عنوان یک پدیده ادبی، بلکه به عنوان یک نمونه اولیه از عملکرد ذهن و زبان انسان می‌بیند. این رهیافت، مفاهیم و ابزارهای تحلیلی خود را از نظریات کلیدی در علوم شناختی چون: معناشناسی شناختی^۹ و نظریه فضای ذهنی^{۱۰}، وام گرفته است. نظریه فضای ذهنی این امکان را فراهم می‌سازد تا چگونگی خلق و مدیریت فضاها^{۱۱} ذهنی متعدد توسط ذهن در حین خوانش متن بررسی شود. در متون ادبی، خواننده به‌طور همزمان فضاها^{۱۲} ذهنی مختلفی را از جمله: فضای ذهنی جهان واقعی، فضای ذهنی جهان متن و فضای ذهنی تخیل، فعال می‌کند. وقتی یک متن، خوانده می‌شود، مطابق با آن در ذهن، جهانی ساخته می‌شود. این جهان که «جهان متن» نامیده می‌شود، شامل شخصیت‌ها، مکان‌ها و رویدادهایی است که از متن استخراج می‌شوند. «نظریه جهان متن»، متن را به‌عنوان یک جهان کوچک با قوانین و

ساختارهای خاص خود می‌بیند که خواننده باید برای درک آن، وارد این جهان شود» (werth, 1999: 5). طبق این رویکرد، هر متن، یک جهان کوچک است. جهانی که در ذهن خواننده شکل می‌گیرد و به او اجازه می‌دهد تا با شخصیت‌ها ارتباط برقرار کند؛ در مکان‌های مختلف سفر کرده و رویدادهای متن را تجربه کند. این نظریه، نقش فعال خواننده در خلق معنا را برجسته کرده و گویای ساختاری چندوجهی است که به درک بهتر و تعامل خواننده با متن و معناسازی توسط او می‌پردازد. «جهان متن از سه جهان تشکیل شده است که عبارتند از: جهان متن، جهان گفتمان، جهان‌های زیرشمول» (Ibid: 68) که در زیر و در شکل شماره (۱) ترسیم شده است.

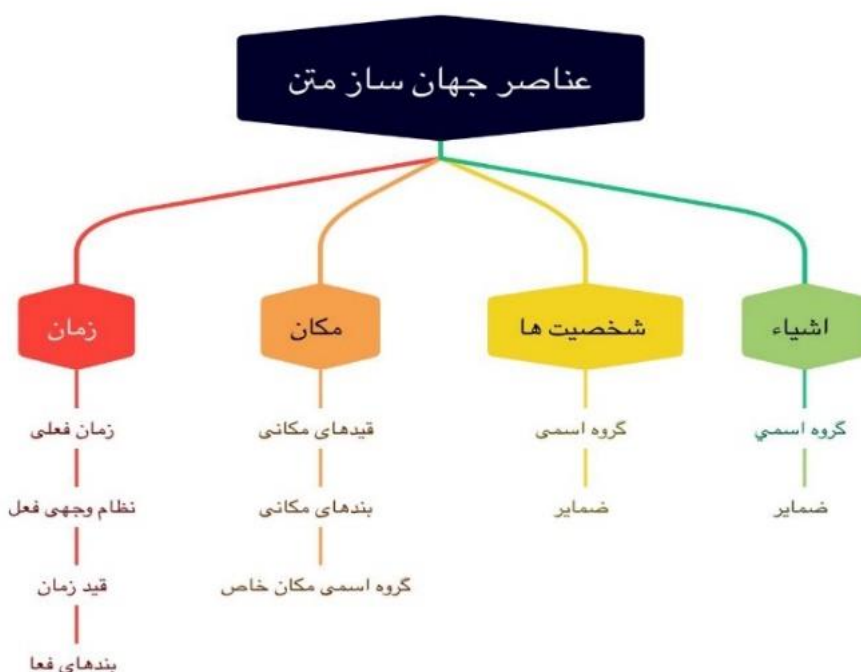


شکل شماره ۱: مدل جهان متن پل ورث

۱.۲. جهان متن

نظریه جهان متن، متن را به عنوان یک محرک برای ساخت یک مدل ذهنی پیچیده در نظر می‌گیرد. این مدل ذهنی که «جهان متن» نامیده می‌شود، شامل عناصر مختلفی مانند شخصیت‌ها، مکان‌ها و رویدادها است. استاک‌ول عقیده دارد که این جهان، «ساختاری ذهنی است که در آن، عناصر مختلف متن به هم مرتبط شده و یک کل معنادار را تشکیل می‌دهند» (استاک‌ول، ۱۳۹۶: ۱۲۰). جهان متن، شامل دو بخش اصلی است: جهان اولیه که اطلاعات صریح و آشکار متن را در بر می‌گیرد و جهان ثانویه که شامل مفاهیم ضمنی و استنباطی است که خواننده از متن می‌گیرد که «ارزیابی حقیقت آن در جهان خارج صورت می‌گیرد» (Ibid: 210). جهان متن، جهانی است که خواننده هنگام مطالعه متن می‌سازد و از دو بخش تشکیل شده است: ۱. بخش صریح که شامل اطلاعاتی است که به طور مستقیم در متن وجود دارد. ۲. بخش ضمنی که شامل اطلاعاتی است که خواننده بر اساس دانش و تجربیات خود به متن اضافه می‌کند. این بخش، جهان ثانویه را می‌سازد که در واقع حاصل تعامل خواننده با متن است. از آنجا که «خواننده صرفاً یک دریافت‌کننده منفعل متن نیست؛ بلکه در معنای جدید آن نقش دارد» (محبی و نوازنی، ۱۴۰۴: ۱۴۲) این جهان‌ها را در راستای پردازش معانی نوین به کار می‌گیرد. «جهان‌های متنی معمولاً با حالاتی که به طور منطقی دور از دسترس هستند در مکان یا زمان دیگری، ارتباط دارند» (Ibid: 86). جهان یک متن از چند بخش اصلی ساخته می‌شود. این بخش‌ها را می‌توان به این صورت معرفی کرد:

۱. شخصیت‌ها: شخصیت‌های متن، مثل آجرهای یک ساختمان، جهان متن را می‌سازند. با شناختن شخصیت‌ها و روابطشان، می‌توان بهتر دنیای متن را درک کرد. ۲. مکان‌ها: مکان‌هایی که متن در آن اتفاق می‌افتد، مثل صحنهٔ تئاتر به خواننده نشان می‌دهند که متن کجا رخ داده است. ۳. زمان: زمان در متن، می‌تواند متفاوت باشد، مثل گذشته، حال یا آینده. زمان، روی اتفاقات داستان و شخصیت‌ها تأثیر زیادی دارد. ۴. اشیا: همهٔ چیزهایی که در داستان وجود دارند از یک مداد ساده تا یک قلعه بزرگ، بخشی از جهان داستان هستند (Gavins, 2007: 36). رویدادها و مفاهیم انتزاعی نیز از عناصر مؤثر شکل‌دهی جهان متن هستند. مفاهیم یادشده در زیر و در شکل شماره (۲) قابل مشاهده است.



شکل شماره ۲

باید توجه داشت که «جهان‌های گفتمانی، جهان‌های متن، جهان‌های فرعی و گزاره‌ها، همگی عناصر ساختاری اساسی زمان و مکان را به اشتراک می‌گذارند» (werth, 1999: 352). در جهان متن، فرایندهای مادی که بیان‌گر روابط بین عناصر متنی هستند و گفتمان را پیش می‌برند «گزاره‌های نقش‌گستر» خوانده می‌شوند که جدول شماره (۳) نشانگر آن است (Ibid: 191/ Stockwell, 2002: 138).

جدول شماره ۳

نوع متن	نوع اسناد	کارکرد	کارگفت
روایی	کنشی	پیرنگ‌گستر	گزارش / نقل
توصیفی: صحنه	حالت	صحنه‌گستر	توصیف صحنه
توصیفی: شخص	حالت / وصفی	شخص‌گستر	توصیف شخصیت
توصیفی: روال عادی	عاداتی	عادت‌گستر	توصیف جریان یا عادت
توصیفی: استدلالی	ربطی	موضوع‌گستر	فرض / نتیجه
توصیفی: دستوری	امری	هدف‌گستر	درخواست / فرمان

۲.۲. جهان گفتمان

در نظریه جهان متن ورث، جهان گفتمان به عنوان فضایی دیالکتیکی تعریف می‌شود که در آن عناصر زبانی با هم تعامل دارند و معنای کلی متن را می‌سازند. این فضا، زمینه را برای ایجاد جهان متن فراهم می‌کند (werth, 1999: 19) و تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند زمینه، دانش پیشین و باورهای اجتماعی قرار دارد. به عقیده ورث، گفتمان، «تلاش آگاهانه و مشترکی از سوی سازنده و دریافت‌کننده برای ساخت جهانی در این میان است که در آن گزاره‌ها بسط پیدا کنند و منسجم شوند و در نهایت، منجر به ساخت معنایی شوند» (Ibid: 95). جهان گفتمان به عنوان یک ساختار اجتماعی و فرهنگی، دارای مختصات زمانی و مکانی مشخصی است که بر تولید و دریافت معنا تأثیر می‌گذارد. استاکول، این مختصات را به عنوان عوامل اصلی شکل‌دهنده جهان گفتمان معرفی می‌کند و «ادراک‌هایی از موقعیت آنی و باورها، دانش، خاطرات، امیدها، رؤیاها، قصد و تخیل شرکت‌کنندگان (را) گفتمان می‌داند» (Stockwell, 2002: 136). شرکت‌کنندگان در جهان گفتمان، شامل تولیدکننده متن (نویسنده)، دریافت‌کننده متن (خواننده) و شخصیت‌های درون‌متنی هستند. با این وصف، «هر گفتمان دو جنبه دارد: یکی متناسب با جهان متنی که می‌سازد؛ یعنی «جهان درونی» و دیگری متناسب با جهان گفتمانی که در آن اتفاق می‌افتد؛ یعنی «جهان بیرونی». این دو جهان اغلب به یکدیگر مرتبط هستند؛ به این معنا که برخی از ویژگی‌های جهان خارج بر ارزیابی حقیقت یا احتمال جهان متن تأثیر می‌گذارد. با این حال، گاهی اوقات و عمدتاً زمانی که جهان متن، تخیلی است، این دو جهان ممکن است کاملاً از هم جدا بمانند» (werth, 1999: 210).

۳.۲. جهان زیرشمول

نظریه جهان متن، ساختار سلسله‌مراتبی متون را بر اساس سه لایه اصلی تبیین می‌کند. لایه اول یا جهان متن به هسته مرکزی متن و عناصر درون‌متنی آن اشاره دارد. لایه دوم یا جهان گفتمان به زمینه اجتماعی و فرهنگی تولید و دریافت متن مرتبط است. لایه سوم یا جهان‌های زیرشمول به زیرساخت‌های معنایی اشاره دارد. «شکل‌گیری مرزهای جهان متن منجر به ایجاد مرزهای جهان گفتمان می‌شود و در پی آن، دیگر لایه مفهومی نظریه جهان متن شکل می‌گیرد که جهان‌های زیر شمول یا فرعی نام دارند» (Ibid: 224). جهان‌های زیرشمول، زیرساخت‌هایی هستند که به صورت ضمنی یا صریح در جهان متن اصلی ایجاد می‌شوند. این جهان‌ها از طریق مکانیزم‌هایی هم‌چون استعاره، کنایه، اشاره و رؤیایپردازی به گسترش و تعمیق جهان متن اصلی کمک می‌کنند. «زیرجهان‌ها، شامل پدیده‌هایی مانند «فلاش‌بک» نیز می‌شوند» (Ibid: 205). ورث معتقد است که ساختار چندلایه جهان‌های متن به درک بهتر پیچیدگی‌های معنایی متن کمک می‌کند. «این جهان با سناریوهای موجود، فرضی، احتمالی و ممکن ساخته می‌شود» (Ibid: 216). ورث، جهان‌های زیرشمول را به سه دسته اصلی تقسیم می‌کند:

جهان اشاری که بر اساس فرآیند ارجاع‌دهی شکل می‌گیرد، جهان نگرشی که بر اساس ساختارهای اعتقادی و ارزشی شکل می‌گیرد و جهان معرفتی که بر اساس ساختارهای دانشی شکل می‌گیرد. این تقسیم‌بندی به درک بهتر ساختار چندلایه جهان‌های متن کمک می‌کند (صادقی، ۱۴۰۰، ج ۲: ۲۴۹). جهان‌های زیرشمول از طریق فرآیندهای مفهومی و شناختی در درون جهان متن اصلی شکل می‌گیرند و با تغییرات در پارامترهای زمانی، مکانی و شخصیتی

همراه هستند. به عنوان مثال در تحلیل یک رمان، می توان جهان های زیرشمول را به عنوان زیرساختارهایی در نظر گرفت که به غنی سازی معنا کمک می کنند. جهان زیرشمول، همواره بخشی از جهان اصلی است و به آن وابسته است و «شخصیت های فرعی برای جهان های فرعی همان چیزی هستند که شخصیت ها برای جهان های متنی هستند. جدای از این، هیچ تفاوت واقعی در نوع، بین شخصیت های (جهان متن) و شخصیت های فرعی وجود ندارد» (werth, 1999: 209). جهان های زیرشمول می توانند از نوع ذهنی، تاریخی، خیالی یا ترکیبی از آن ها باشند و با ایجاد ارتباطات بینامتنایی و درون متنی به غنی سازی معنا و توسعه شخصیت ها کمک کنند. وجود این جهان های متعدد، نشان دهنده ماهیت چندلایه و پویای معنا در متن است.

۳. تحلیل داده ها

در راستای تحلیل جهان متن خطبه باید عنوان کرد که خطبه ۹۱ نهج البلاغه، معروف به خطبه اشباح یکی از عمیق ترین و جامع ترین خطبه های علی (ع) است که در آن به توصیف خداوند، خلقت، انسان و جهان هستی پرداخته است. در ادامه، جهان های سه گانه خطبه، مورد بررسی قرار می گیرد. تحلیل ها از خارجی ترین لایه متن یعنی جهان گفتمان ارائه شده است.

۱.۳. جهان های گفتمانی در خطبه اشباح

در خطبه اشباح، جهان های گفتمانی را می توان به طور کلی به سه دسته تقسیم کرد: الف. جهان گفتمانی الهیاتی هستی و آفرینش. ب. جهان گفتمانی انسان و جایگاه او در جهان. ج. جهان های متنازع. در ادامه، هر یک به تفصیل خواهد آمد.

الف. جهان هستی و آفرینش: این جهان، مهم ترین جهان گفتمانی و یک فضای ذهنی است که مفاهیم انتزاعی مربوط به ذات و صفات خداوند را بازنمایی می سازد. هم چنین از دو جهان گفتمانی پایه، تشکیل شده است که عبارتند از:

۱. جهان گفتمانی خداوندشناسی: در این خطبه و با آغازین واژگان «فَحَمْدُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ» (خطبه: ۹۱)، متن، مخاطبش را به جهان گفتمان خداوندشناسی دعوت می کند تا مقدمات دنیای معرفتی را که می خواهد بسازد در ذهن او بنیان نهد. در این جهان، خداوند به عنوان خالق، مدبر و مالک مطلق جهان معرفی می شود که جهان هستی را از عدم به وجود آورده است. عبارت های «فَصَارَ كُلُّ مَا خَلَقَ حُجَّةً لَهُ وَدَلِيلًا عَلَيْهِ وَإِنْ كَانَ خُلُقًا صَامِتًا فَحُجَّتُهُ بِالتَّدْبِيرِ نَاطِقَةً وَدَلَالَتُهُ عَلَى الْمُبْدِعِ قَائِمَةً» (همان)، (ترجمه): «صنع و نشانه های حکمتش آشکار است از این رو آن چه آفریده حجت و دلیلی بر وجود اوست و اگر موجودی بی زبان باشد، تدبیر او در وجود آن موجود، برهان گویایی بر وجود او و دلیلی محکم بر آفرینندگی ذات پاک اوست» به تبیین آثار این گفتمان می پردازد و نشان می دهد که همه مخلوقات، صرف نظر از ناطق یا صامت بودن، به واسطه تدبیر الهی، دلالتی روشن بر خالق خود دارند. بر همین اساس، «در باب صفات کمالی خداوند متعال، از این جهت که او بخشنده علم، قدرت و حیات است، این صفات برای هر موجودی به صرف وجود داشتن کمال محسوب می شوند» (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م: ج ۶، ۴۲۰). این جهان گفتمانی به قدرت مطلق خداوند و

حکمت او در آفرینش و تدبیر امور و نظم حاکم بر جهان می‌پردازد. آن‌چه که در این جهان، مورد تأکید قرار می‌گیرد، تفاوت میان انسان محدود و خداوند نامحدود است.

با توجه به ویژگی‌های ذکر شده، می‌توان گفت که متن خطبه، نمایان‌گر گفتمان توحیدی اثباتی است. در این نوع گفتمان، وجود خداوند با استفاده از دلایل عقلی و تجربی اثبات شده و سپس به توصیف صفات کمال او پرداخته می‌شود. این گفتمان با تمرکز بر خداوند و صفات او به دنبال ارائه تصویری جامع و کامل از جهان هستی و جایگاه انسان در آن است.

۲. جهان گفتمانی خلقت: این جهان بزرگ‌ترین و جامع‌ترین جهان گفتمانی متن خطبه است که به صورت دورانی در همه نقاط آن مشهود است. در متن، جهان هستی به عنوان یک نظام منظم «وَنَظَّمْ بِإِلَاقَةٍ رَّهَوَاتٍ فُرَجَهَا» (خطبه: ۹۱)، (ترجمه): «پستی و بلندی آسمان و فاصله‌های فراخ آن را بدون اینکه به چیزی متکی باشد نظام داد» توصیف می‌شود که تحت تدبیر و حکمت خداوند «قَدَّرَ مَا خَلَقَ فَأَحْكَمَ تَقْدِيرَهُ وَدَبَّرَهُ فَأَلْطَفَ تَدْبِيرَهُ» (همان)، (ترجمه): «آن‌چه را آفرید برایش اندازه قرار داد و اندازه‌اش را محکم کرد و تدبیر نمود و به خوبی تدبیر فرمود» است. حضرت علی (ع) در این بخش به توصیف آفرینش جهان، نظم حاکم بر آن، قدرت خداوند در خلق و عظمت خلقت می‌پردازد. نظم دقیقی که در آفرینش جهان وجود دارد به عنوان دلیلی بر وجود خالق دانا و حکیم معرفی شده است.

«در جهان آفرینش یک رشته نظامات کلی و عمومی داریم که میان آن‌ها، یک رشته نظامات جزئی قرار گرفته و در ضمن آن‌ها اداره می‌شوند. انسان و یا حیوان و گیاه در روی زمین، نظامی کوچک و جزئی از نظام کلی کره زمین است و در عین حال نظام کره زمین نسبت به جهان وسیع و گسترده، دارای نظامی کوچک و جزئی از نظام کلی جهان محسوب می‌گردد و به همین نسبت است نظام شمسی نسبت به کهکشان که جزئی از آن به شمار می‌رود» (سبحانی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۳۰۲). همه موجودات از جمله آسمان‌ها، زمین، انسان‌ها، فرشتگان، طبیعت و قوانین حاکم بر آن‌ها و... در این نظام جایگاه خاص خود را دارند و آفرینش جهان و همه موجودات آن به صورت تدریجی و با حکمت خاصی صورت گرفته است. به گونه‌ای که هر موجودی دارای هدف و غایتی مشخص است و در خدمت نظام کلی هستی قرار دارد؛ مثلاً، فرشتگان به عنوان موجوداتی کامل و عابد «فَهُمْ أَسْرَاءُ إِيْمَانٍ» (خطبه: ۹۱)، (ترجمه): «فرشتگان اسیر و پایبند ایمانند» معرفی شده‌اند که وظایف مهمی را در عالم برعهده دارند. هم‌چنین تفاوت میان انسان و فرشته از نظر ماهیت «بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ لَا يَسْتَفْئُونَ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِ رَبِّهِمْ يَعْمَلُونَ» (همان)، (ترجمه): «آنان بندگان گرامی داشته‌اند حقند که در گفتار، سبقت بر خدا نمی‌گیرند و فرمانش را اجرا می‌کنند» و وظایف در این جهان بیان شده است.

ب. انسان و جایگاه او در جهان: این جهان گفتمانی به جایگاه انسان در جهان و رابطه او با خداوند می‌پردازد. در این جهان، انسان به عنوان موجودی مختار و دارای اراده آزاد معرفی می‌شود که می‌تواند با انتخاب راه درست به کمال برسد و یا با انتخاب راه نادرست به هلاکت برسد. انسان در این جهان به عنوان اشرف مخلوقات و دارای کرامت ذاتی معرفی شده است که در برابر خداوند مسئول است و باید او را عبادت کند. انسان باید با استفاده از عقل، وحی «جَعَلَهُمْ فِيمَا هُنَالِكَ أَهْلَ الْأَمَانَةِ عَلَى وَحْيِهِ وَحَمَلَهُمْ إِلَى الْمُرْسَلِينَ وَدَائِعَ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ، وَعَصَمَهُمْ مِنْ رَبِّبِ الشُّبُهَاتِ» (همان)، (ترجمه): «خداوند ملائکه را در آن عالم، امین وحی قرار داد و به وسیله آنان امانات امر و نهی را به جانب پیامبران روانه کرد و همه آنان را از اشتباه مصونیت داد» و تجربه به شناخت خداوند نزدیک شود. «انسان دارای قدرتی است که به واسطه آن

به حقایق پی می‌برد و آن را عقل می‌نامند. هم‌چنین قدرتی دارد که به واسطه آن از آنچه به دلش وارد می‌شود متأثر می‌گردد و آن را حیا می‌نامند و علاوه بر این، قدرتی دارد که به واسطه آن توانایی انجام‌دادن کارهای نیک و ترک گناهان را پیدا می‌کند و آن را دین می‌نامند. این سه واژه (عقل، حیا، دین) هم بر این اصول اولیه -یعنی قوا و اخلاق- اطلاق می‌شوند و هم بر آثار و افعالی که از آن‌ها نشأت می‌گیرند. به عنوان مثال، می‌گویند: عقل، ادراک است» (الجیلانی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۲۵).

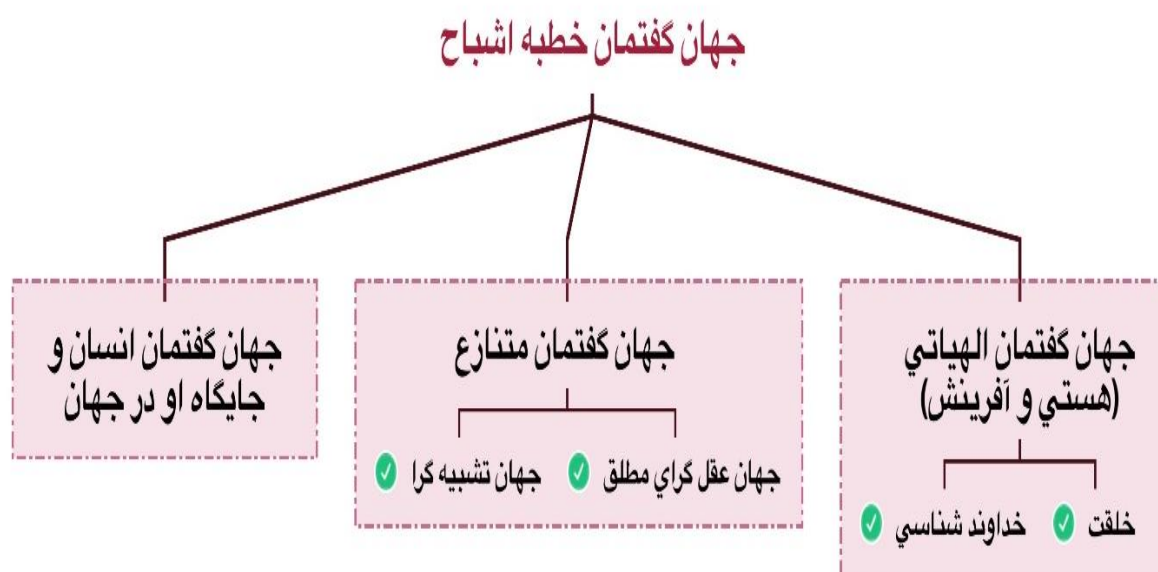
امیرالمؤمنین (ع) در این بخش به بیان این نکته می‌پردازد که شناخت خداوند فراتر از توانایی‌های عقل بشری است «هُوَ الْقَادِرُ الَّذِي إِذَا ارْتَمَتْ الْأَوْهَامُ لِتُدْرِكَ مُنْقَطِعَ قُدْرَتِهِ... رَدَعَهَا» (خطبه: ۹۱)، (ترجمه): «او توانایی است که اگر همه اوهام برای شناخت نهایت قدرتش پیشرفت کنند... همه را پس زده» و این جمله (یعنی از «ارتمت» تا آخر) «شرطیه‌ای مرکب است که چندین مقدمه دارد و نتیجه واحد «ردعها» است و مانند چند شرطیه مجزا است. مراد از این عبارت آن است که وقتی خیال‌ها پیوسته در جستجوی نهایت قدرت او باشند، عقب‌نشینی می‌کنند؛ زیرا قدرت او بی‌نهایت است و خیال‌ها هرگز به پایان و نهایت آن نخواهند رسید» (هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق، ج ۶: ۳۱۵). بنابراین انسان تنها می‌تواند به بخشی از عظمت و قدرت او پی ببرد. در این جهان به ارزش‌های اخلاقی مانند تقوا، صبر، شکرگزاری و توکل بر خدا پرداخته شده و ایمان به خدا و انجام اعمال صالح به عنوان راه رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی بیان شده است که گویای توحید عملی است. خطبه، نه‌تنها به وحدانیت ذات خداوند اشاره می‌کند بلکه بر وحدانیت افعال و صفات او نیز تأکید دارد. به عبارت دیگر، همه آفرینش، تدبیر، قدرت، علم و رحمت از آن خداوند واحد و یکتا است و به توحید افعالی و صفاتی نیز نظر دارد.

ج. جهان‌های متنازع: در این خطبه، جهان‌های گفتمانی دیگری نیز وجود دارند که در تقابل با جهان الهیاتی صحیح قرار می‌گیرند که امام علی (ع) آن‌ها را به نقد می‌کشانند:

۱. **جهان تشبیه‌گرا:** این جهان، توسط کسانی ساخته می‌شود که خداوند را به مخلوقاتش شبیه می‌دانند. مثلاً در عبارت «مَنْ شَبَّهَكَ بِتَبَائِنِ أَعْضَاءِ خَلْقِكَ» (خطبه: ۹۱)، (ترجمه): «آن کس که تو را به مخلوقی دارای اعضای مختلف، تشبیه کند» خطیب، این جهان را باطل می‌داند و آن را به جهان بت‌پرستی و جهل نسبت می‌دهد.

۲. **جهان عقل‌گرای مطلق:** این جهان توسط کسانی ساخته می‌شود که می‌خواهند عظمت خداوند را با «ترازوی عقل» خود بسنجند. همان‌طور که عبارت «وَلَا تُقَدِّرْ عَظَمَةَ اللَّهِ...» (همان)، (ترجمه): «و عظمت خداوندی را اندازه مگیر...» در خطبه ذکر شده است. این جهان نیز در متن خطبه، مورد انتقاد قرار می‌گیرد، چرا که عقل را برای درک ذات الهی ناتوان می‌داند.

جهان‌های گفتمانی مختلف این خطبه به هم پیوسته هستند و هر یک بر دیگری تأثیر می‌گذارند به‌طوری‌که هر کدام به درک بهتر جهان‌های دیگر کمک می‌کند. به عنوان مثال، جهان شناخت خداوند بر جهان انسان و ایمان تأثیرگذار است. جهان گفتمان خطبه در شکل شماره ۴ ترسیم شده است.



شکل شماره ۴

۳.۲. جهان متن

در این رویکرد، متن به عنوان یک جهان مستقل با قوانین و ساختارهای خاص خود در نظر گرفته می‌شود. عناصر جهان‌ساز در این خطبه، عناصری هستند که این جهان را شکل داده و به آن معنا و مفهوم می‌بخشند. در این خطبه، حضرت علی (ع) به توصیف خداوند، خلقت، انسان و جهان می‌پردازد. با توجه به گستردگی موضوعات مطرح شده در این خطبه، تحلیل عناصر جهان‌ساز آن با رویکرد جهان متن پل ورت، می‌تواند جهان‌بینی حضرت علی (ع) را روشن سازد. در این بخش، تلاش می‌شود تا عناصر جهان‌ساز این خطبه با رویکرد جهان متن پل ورت مورد بررسی قرار گیرد.

۳.۲.۱. عناصر جهان‌ساز خطبه اشباح

با توجه به رویکرد جهان متن، می‌توان عناصر جهان‌ساز خطبه اشباح را به شرح زیر تقسیم‌بندی کرد:

۱. شخصیت‌ها

خداوند: شخصیت محوری خطبه، خداوند است. او هستی‌بخش همه چیز است و بر همه چیز احاطه دارد و نیروی محرکه اصلی و مرکزیت جهان متن را تشکیل می‌دهد. در آغاز خطبه چنین آمده: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَفِرُّهُ الْمَنَعُ وَالْجُمُودُ وَلَا يُكْدِيهِ الْإِعْطَاءُ وَالْجُودُ» (خطبه: ۹۱)، (ترجمه): «سپاس خدای را که امساک و جمود بر ثروتش اضافه نمی‌کند و عطا و بخشش تهیدستش نمی‌نماید». این عبارت، اطلاق سود و زیان را بر خداوند محال برمی‌شمارد، «زیرا تصور نفع و ضرر برای خداوند منجر به دو امر محال می‌شود: اول: نیازمندی و امکان، دوم: محدود شدن خداوند در بخشش و جود؛ با این‌که قدرت ذات حق تعالی نامحدود است» (ابن میثم، ۱۳۸۹ق: ۶۸۲). عبارت «وَقَدْ رَجَوْتُكَ دَلِيلًا عَلَى ذَخَائِرِ الرَّحْمَةِ» (خطبه: ۹۱)، (ترجمه): «من از تو امید دلالت به سوی ذخائر رحمت و گنج‌های مغفرت دارم»، خداوند را رحمان و

رحیمی وصف می‌کند که سرچشمه رحمت است. معنای سخن آن حضرت «این است که ایشان از خداوند خواسته‌اند که او را به اعمالی راهنمایی کند که موجب خشنودی پروردگار شود و مستحق رحمت و آمرزش او گردد؛ گویی آن اعمال را که امیدوار است خداوند او را به سوی آن‌ها هدایت کند، ذخایر رحمت و گنجینه‌هایی دانسته است» (الشریفی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۳۲۱). عبارت «وَوَسَّعَهُمْ عَدْلُهُ» (خطبه: ۹۱)، (ترجمه): «و عدلش بر همه، گسترده است»، خداوند را عدل‌گستر در همه آفاق، فراز «وَلَاءَمْ يَقْدِرْتَهُ بَيْنَ مُتَضَادِّهَا» (همان)، (ترجمه): «و با قدرتش بین اشیای متضاد الفت داد»، خداوند را جامع اضداد و فراز «فَمَا ذَلِكُ الْقُرْآنُ عَلَيْهِ مِنْ صِفَتِهِ فَأَتَتْكُمْ بِهِ» (همان)، (ترجمه): «از صفات خدا که قرآن تو را به آن راهنمایی می‌کند پیروی کن»، خداوند را صاحب صفات و اسما حسنائی معرفی می‌کند که در بینامتنی با دنیای متن قرآن، به صورت گسترده توصیف شده است. در این جهان، صفات خداوند به عنوان قوانین اساسی جهان عمل می‌کنند و بر تمام پدیده‌ها، حاکم هستند و همه موجودات از جمله انسان، جهان هستی و نظام آفرینش از خداوند سرچشمه می‌گیرند و تحت تدبیر او هستند.

انسان: دومین شخصیت خطبه، انسان است که به عنوان خلیفه خدا در زمین، دارای اراده آزاد و مسئولیت‌پذیر توصیف می‌شود که در عین بزرگی و عظمت، محدودیت‌هایی نیز دارد. از جمله شخصیت‌های شاخص در این متن، حضرت علی (ع)، سؤال‌کننده «سائل»، پیامبران «الْمُرْسَلِينَ»، حضرت آدم (ع) «اِحْتَارَ آدَمَ» و حضرت محمد (ص) «حَتَّى تَمَتْ نَبِيُّنَا مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حُجَّتُهُ» را می‌توان نام برد. در متن خطبه، پیامبران، شخصیت‌هایی یاریگر به مخاطب شناسانده شده‌اند که با عنوان راهنمای انسان در متن هستند. رابطه انسان با خدا به عنوان محوریت جهان متن انسان مطرح می‌شود که شناخت خدا، عبادت او و رسیدن به کمال از مهم‌ترین اهداف از خلقت او است. همچنین، انسان به عنوان جانشین خدا در زمین مسئولیت حفظ و آبادانی آن و به عنوان اشرف مخلوقات، مسئولیت اداره جهان و بندگی خدا را بر عهده دارد.

فرشتگان: در خطبه اشباح، شخصیت‌های نامرئی چون فرشتگان با گزاره‌های مختلفی از جمله: «ثُمَّ خَلَقَ سُبْحَانَهُ لِإِسْكَانِ سَمَوَاتِهِ وَعِمَارَةِ الصَّفِيحِ الْأَعْلَى مِنْ مَلَكُوتِهِ خَلْقًا بَدِيعًا مِنْ مَلَائِكَتِهِ» (همان)، (ترجمه): «سپس خداوند سبحان برای سکونت دادن در آسمان‌هایش و آباد ساختن پهنه اعلای ملکوتش موجوداتی بی‌نظیر از فرشتگانش را به عرصه هستی آورد» به عنوان موجوداتی کامل، عابد و مطیع فرمان خدا معرفی می‌شوند «که محل اسکان و عبادت آن‌ها در آسمان‌هاست» (الخوئی، ج ۶، ۱۴۰۰: ۳۷۷) و هر یک وظایف خاصی در جهان هستی بر عهده دارند.

شیطان: در جهان متن خطبه، شخصیتی بازدارنده و مخالف به نام شیطان نیز به عنوان دشمن انسان و مخالف خداوند، توصیف می‌شود. از مصادیق بازدارندگی شیطان در متن، «بِاسْتِحْوَاذِ» (همان)، (ترجمه): «وسوسه‌های شیطانی» می‌باشد که عامل فساد است. وقتی می‌گوییم کسی بر چیزی استحواذ یافته است، یعنی بر آن مسلط شده و آن را تحت کنترل خود گرفته است «وَالْإِسْتِحْوَاذُ: الْعَلْبَةُ» (الشریفی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۳۰۶).

۲. مکان‌ها

آسمان‌ها: در جهان متن، آسمان، نه تنها به عنوان محل سکونت فرشتگان است «لِإِسْكَانِ سَمَوَاتِهِ... مِنْ مَلَائِكَتِهِ» (خطبه: ۹۱)، (ترجمه): «برای سکونت دادن در آسمان‌هایش... فرشتگانش»، بلکه آفرینش آن نیز نشان از عظمت و قدرت

خداوند معرفی می‌شود.

زمین: یکی از عناصر مهم جهان‌ساز متن، موقعیت زمین است که به عنوان محل زندگی انسان «وَسَكَنْتِ الْأَرْضُ» و محل آزمایش و امتحان او توصیف شده‌است.

بهشت: جهان متن، مکان‌هایی در آینده را پیش روی مخاطب می‌گذارد که یکی از آن‌ها که به عنوان جایگاه پاداش نیکوکاران «وَأَسْكَنُهُ جَنَّهً» (همان)، (ترجمه): «و او را در بهشت خود ساکن کرد» معرفی می‌شود، بهشت است.

جهنم: جهنم نیز از مکان‌های دیگر انتزاعی در آینده متن است که به عنوان جایگاه عذاب گناهکاران معرفی می‌شود. مکان‌های مختلف در عالم هستی به عنوان نظامی منظم، توصیف می‌شوند که بر اساس قوانین الهی اداره می‌گردد و یک نظام کیهانی را تشکیل می‌دهند. در این خطبه به توازن و هماهنگی موجود در جهان اشاره شده است، به گونه‌ای که همه چیز در جهان، دارای جایگاه و نقش مشخصی است. جهان هستی که آبرمکان متن است به عنوان نمادی از جمال و عظمت خداوند معرفی شده است.

۳. زمان‌ها

گذشته (زمان آفرینش): موقعیت زمانی در جهان متن مشاهده می‌شود که فراتر از حافظه تاریخ بشری است. زمانی، به عنوان آغاز همه چیز که نشانه قدرت خداوند است. این موقعیت زمانی در گذشته بوده و مقطعی از زمان است که خداوند، جهان را آفریده و انسان را به وجود آورده است.

آینده (زمان قیامت): دومین زمان درک نشده توسط انسان که متن به مخاطب می‌شناساند زمانی به نام قیامت است که به عنوان پایان جهان، معرفی می‌شود. زمانی در آینده‌ای نامشخص که انسان، پاداش یا عقاب اعمال خود را در آن خواهد دید.

زمان حال: ملموس‌ترین زمان متن، زمان حال است که انسان در آن زندگی می‌کند و در برابر خداوند، مسئول است معرفی می‌شود. این ظرفیت زمانی، فرصتی برای انسان‌ها، جهت عبادت و بندگی خداوند است. زمان در این خطبه به عنوان یک جریان مستمر دیده می‌شود که از گذشته قبل از خلقت، آغاز شده و به آینده‌ای فراتر از دنیا ادامه دارد.

۴. اشیا و مفاهیم

در جهان متن خطبه، چهارگونه از اشیا به طور کلی پیش روی مخاطب است که عبارتند از: ۱. اجرام آسمانی: خورشید، ماه، ستارگان و ... ۲. عناصر طبیعی: آب، خاک، هوا. ۳. موجودات زنده: انسان، حیوانات، گیاهان. ۴. مفاهیم انتزاعی: ایمان، کفر، عدالت، ظلم و ...

این اشیا که اساس هستی را تشکیل می‌دهند به عنوان آفریده‌های خداوند و نشانه‌های قدرت و عظمت او معرفی می‌شوند. اشیای مختلف در این خطبه، مانند آسمان، زمین و انسان با هم در ارتباط هستند و یک نظام طبیعی را تشکیل می‌دهند.

۱.۱.۲.۳. روابط بین عناصر جهان ساز

روابط عناصر جهان ساز در متن خطبه به صورت زیر مشهود است: ۱. **روابط سلسله مراتبی:** برخی از عناصر نسبت به عناصر دیگر دارای جایگاه برتر هستند. به عنوان مثال، خداوند، خالق جهان و بر همه عناصر دیگر حاکم است. ۲. **روابط علیتی:** برخی دیگر از عناصر جهان ساز متن نیز به عنوان علت برای عناصر دیگر عمل می کنند. به عنوان مثال، وجود خداوند علت وجود جهان و انسان است. ۳. **روابط مقابله ای:** برخی نیز در مقابل یکدیگر قرار دارند. به عنوان مثال، ایمان و کفر، خیر و شر، حق و باطل.

با شناسایی عناصر جهان ساز و روابط بین آنها، می توان به ساختار کلی خطبه به عنوان یک شبکه معنایی پی برد. این خطبه یک جهان بینی جامع را ارائه می دهد که در آن خداوند به عنوان مدبر همه چیز، انسان به عنوان موجودی مسئول و موظف به عبادت خدا و جهان هستی به عنوان مظهر قدرت و حکمت خداوند معرفی شده است. عناصر جهان ساز براساس یک ایدئولوژی توحیدی و انسان محور پیچیده شده اند که بر اصول اخلاقی و معنوی استواراند. این ایدئولوژی به انسان ها امید و انگیزه می دهد تا زندگی خود را بر اساس ارزش های الهی بنا کنند و به کمال برسند.

۲.۲.۳. گزاره های نقش گستر در خطبه اشباح

گزاره های نقش گستر با ایجاد ارتباط بین عناصر جهان ساز به خواننده کمک می کنند تا تصویری منسجم از جهان متن بسازد. این گزاره ها هم چنین به خواننده اجازه می دهند تا ارزش ها، باورها و دیدگاه های متن را درک کند و ارتباط بین عناصر مختلف را مشخص کند تا خواننده بتواند روابط علت و معلولی را دریابد. این گزاره ها نوعی پنهان کاری جزئیات هستند که تأثیر مکاشفه در متن را برای خواننده مضاعف می سازند (محبی و همکاران، ۱۴۰۳: ۶). گزاره های نقش گستر در خطبه اشباح به صورت زیر مشهود است:

الف. گزاره های روایی: خطبه اشباح با ساختاری روایی با توصیف آفرینش جهان، نقش انسان در آن و سرنوشت نهایی او، یک روایت کلی از هستی، ارائه می دهد. متن از طریق عبارات روایی فرضی به موقعیت های احتمالی اشاره می کند تا عظمت و قدرت الهی را بهتر نشان دهد. این عبارات، خواننده را به یک زیرجهان فرضی می برند که در آن اتفاقات غیرممکن یا خیالی به تصویر کشیده می شود. به طور مثال: در عبارت «وَلَوْ وَهَبَ مَا تَنَفَسَتْ عَنْهُ مَعَادِنُ الْجِبَالِ وَضَحِكَتْ عَنْهُ أَصْدَافُ الْبِحَارِ، مِنْ فِلَازِ اللَّجَيْنِ وَالْعُقَيَانِ وَنُثَارَةِ الدُّرِّ وَخَصِيدِ الْمَرْجَانِ، مَا أَثَّرَ ذَلِكَ فِي جُودِهِ» (همان، (ترجمه): «اگر آنچه را که معادن کوه ها نفس زنان بیرون می ریزند و صدف های دریا خنده کنان ظاهر می سازند از نقره خالص و طلای ناب و درّ منثور و خوشه مرجان، همه و همه را ببخشد در جود و سخایش اثر نگذارد». این گزاره روایی در متن خطبه، خواننده را به یک جهان خیالی می برد که در آن تمام ثروت های دنیا بخشیده شده، ولی در نهایت این جهان فرضی به این نتیجه منتهی می شود که قدرت و بخشش خداوند نامحدود است.

ب. گزاره های توصیفی

۱. **گزاره های توصیفی شخصی:** این گزاره ها به توصیف ویژگی های شخصیتی شخصیت های متن می پردازند، مانند: توصیف خداوند، فرشتگان، انسان، بهشت، جهنم، زمین، آسمان. توصیف خداوند به عنوان خالق، توانا و مهربان و

هم‌چنین، توصیف انسان به عنوان خلیفه خدا و دارای اختیار.

توصیف خداوند: امام علی (ع) با استفاده از صفات کمال و جمال، خداوند را توصیف می‌کند. این صفات شامل: بی‌نیازی، قدرت مطلق، علم مطلق، رحمت واسعه، عدالت و حکمت است. هم‌چنین، ایشان بر عدم امکان شناخت کامل خداوند، تأکید می‌کند و انسان را به شناخت محدود خود دعوت می‌کند. عبارت «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَفْرُهُ الْمُنْعُ وَالْجُمُودُ وَلَا يُكْدِيهِ الْإِعْطَاءُ وَالْجُودُ، إِذْ كُلُّ مُعْطٍ مُنْتَقِصٌ سِوَاهُ وَكُلُّ مَانِعٍ مَذْمُومٌ مَا خَلَاهُ» (همان)، (ترجمه): «سپاس خدای را که امساک و جمود بر ثروتش اضافه نمی‌کند و عطا و بخشش تهیدستش نمی‌نماید؛ زیرا هر بخشنده‌ای جز او ثروتش کم می‌شود و هر منع‌کننده‌ای جز او شایسته مذمت است» (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸ق، ج ۶: ۴۰۰)، علاوه بر توصیف شخصی (توصیف خداوند بی‌نیاز و به‌طور هم‌زمان توصیف انسان نیازمند)، حاوی یک استدلال نیز هست. این عبارت، نمونه‌ای از گزاره توصیفی شخصی است که به توصیف یکی از صفات خداوند می‌پردازد. در این گزاره، خداوند به عنوان موجودی توانا و بی‌نیاز توصیف می‌شود که هیچ کمبودی او را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. این توصیف، تصویری از خداوند به عنوان خالق مطلق و بی‌نیاز از مخلوقات ارائه می‌دهد و به‌عنوان یکی از پایه‌های اصلی برای درک ماهیت خداوند و جایگاه انسان در جهان هستی عمل می‌کند.

توصیف انسان: انسان در این خطبه، خلیفه خدا در زمین معرفی شده و هم‌چنین به‌عنوان موجودی محدود و نیازمند به خداوند توصیف شده است. عبارت «فَلَمَّا مَهَّدَ أَرْضَهُ اخْتَارَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَيْرَةً مِنْ خَلْقِهِ وَجَعَلَهُ أَوَّلَ جِبَلَّتِهِ وَأَسْكَنَهُ جَنَّتَهُ وَأَرْعَدَ فِيهَا أَكْلَهُ» (همان)، (ترجمه): «هنگامی که زمین را برای زندگی آماده کرد و فرمان خود را جاری ساخت، آدم (ع) را از میان مخلوق خود اختیار کرد و او را اولین نوع از آفرینش انسان قرارداد و در بهشت خود ساکن کرد و روزیش را در آن‌جا فراوان نمود». شخصیت‌های اصلی عبارت، عبارتند از: ۱. آفریننده (خدا): شخصیت اصلی و عامل کنش‌ها («مَهَّدَ»، «اخْتَارَ»، «جَعَلَهُ»، «أَسْكَنَهُ»). این شخصیت در جهان متن، دارای قدرت مطلق است. ۲. آدم (ع): شخصیت دوم که مورد کنش‌ها قرار می‌گیرد و به‌عنوان «خَيْرَةً مِنْ خَلْقِهِ» (برگزیده‌ای از مخلوق) و «أَوَّلَ جِبَلَّتِهِ» (اولین نوع آفرینش) معرفی می‌شود.

دنیای این عبارت در چارچوب یک باور دینی اساطیری عمل می‌کند. افعالی مانند «اخْتَارَ» (برگزید)، «جَعَلَ» (قرار داد) و «أَسْكَنَ» (ساکن کرد) نشان می‌دهند که این رویدادها تنها یک داستان نبوده، بلکه تجلی یک اراده الهی هستند. این امر، خواننده را به یک زیرجهان اعتقادی انتقال می‌دهد که در آن، مفاهیم خلقت، انتخاب الهی و بهشت پذیرفته شده است. این گزاره، توصیف خود را بر دو ویژگی کلیدی متمرکز ساخته است؛ انتخاب الهی و فراوانی نعمت. این انتخاب‌ها، تصویری از انسان به عنوان موجودی برگزیده و مورد لطف الهی ارائه می‌دهند که نقش تربیتی و الهام‌بخش دارد. به‌طور کلی این عبارت، فراتر از یک گزاره توصیفی ساده، جهان‌شناختی کامل و متقاعدکننده‌ای را در ذهن خواننده ترسیم می‌کند که این جهان با محوریت اراده الهی و شخصیت برگزیده انسان به یک زیرجهان اعتقادی متصل است و هدف آن، تأیید و تثبیت جایگاه والای انسان در نظام آفرینش می‌باشد.

توصیف فرشتگان: در این بخش، فرشتگان، موجوداتی کامل، عابد و مطیع توصیف شده‌اند. عباراتی مانند «بَلَّ عِبَادٌ مُكْرَمُونَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهٖ يَعْمَلُونَ» (خطبه: ۹۱)، (ترجمه): «آنان بندگان گرامی داشته‌اند حقند که در گفتار سبقت بر خدا نمی‌گیرند و فرمانش را اجرا می‌کنند» و «وَمَكَتْنَتْ مِنْ سُودَاءِ قُلُوبِهِمْ وَشَيْجَةُ خَيْفَتِهِ» (همان)، (ترجمه): «و در

سویدای دلشان ریشه‌های خوف خدا جای گرفته» نمونه‌هایی از این گزاره هستند که به وصف فرشتگان پرداخته‌اند.

۲. **گزاره‌های توصیفی استدلالی:** این گزاره‌ها برای اثبات یا رد یک ادعا به استدلال می‌پردازند، مانند استدلال در مورد قدرت و عظمت خداوند، توحید، نبوت، معاد، عدالت الهی. عبارت «وَكَيْفَ وَأَمَّا صَدَرَتِ الْأُمُورُ عَنْ مَشِيئَتِهِ؟» (همان)، (ترجمه): «و چگونه چنین باشد در حالی که همه امور از مشیت او نشأت گرفته است؟»، یک گزاره استدلالی است که به تقریر موضوع در ذهن مخاطب می‌پردازد. امام علی (ع) با ارائه دلایلی مانند قدرت خداوند، بی‌نیازی او و عدم امکان شناخت کامل او به اثبات توحید می‌پردازد و با اشاره به نقش پیامبران در هدایت انسان‌ها و ابلاغ پیام خداوند به اهمیت نبوت تأکید می‌کند. هم‌چنین با توصیف بهشت و جهنم و بیان پاداش و عقاب اعمال انسان‌ها به وجود معاد اشاره می‌کند. خطیب با ارائه دلایلی منطقی و استوار به اثبات وحدانیت و بی‌نیازی خداوند می‌پردازد. عباراتی مانند «الْأَوَّلُ الَّذِي لَمْ يَكُنْ لَهُ قَبْلُ فَيَكُونُ شَيْءٌ قَبْلَهُ وَالْآخِرُ الَّذِي لَيْسَ لَهُ بَعْدُ فَيَكُونُ شَيْءٌ بَعْدَهُ» (همان)، (ترجمه): «او همان اولی است که برای اولینش قبلی نبوده تا پیش از او چیزی باشد و آخری است که برای آخرینش بعدی نیست تا موجودی پس از او باشد» مثال‌هایی از این گزاره هستند.

۳. **گزاره‌های توصیفی تعلیمی:** این گزاره‌ها در متن خطبه به آموزش مفاهیمی مانند توحید، اخلاق و معرفت خدا می‌پردازند. در این بخش، مخاطب می‌آموزد که چگونه به شناخت خداوند دست یابد و از اوصاف و صفات او آگاه شود. عباراتی مانند «فَانْظُرْ أَيُّهَا السَّائِلُ، فَمَا ذَلِكَ الْقُرْآنُ عَلَيْهِ مِنْ صِفَتِهِ فَأَتَتْكُمْ بِهِ» (همان)، (ترجمه): «ای پرسش‌کننده! به دقت بنگر، آنچه را قرآن از صفات خدا تو را به آن راهنمایی می‌کند پیروی کن» با الگوسازی برای مخاطب، ابزار شناخت خداوند را قرآن معرفی می‌کند و او را به جهانی دیگر راهنمایی می‌کند. عبارت تعلیمی دیگر متن، «وَمَا كَلَّفَكَ الشَّيْطَانُ عِلْمَهُ مِمَّا لَيْسَ فِي الْكِتَابِ عَلَيْكَ فَرَضُهُ وَلَا فِي سُنَّةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآئِمَّةِ الْهُدَى أَثَرُهُ فَكُلَّ عِلْمُهُ إِلَى اللَّهِ سَبْحَانَهُ» (همان)، (ترجمه): «و آنچه را که شیطان تو را به یادگرفتن آن واداشته از آنچه که در قرآن بر تو لازم نگشته و در سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اثری نیامده، پس علمش را به خدای سبحان واگذار» است که سازوکار موفقیت انسان را به او آموزش می‌دهد. متن خطبه با این گزاره توصیفی تعلیمی به مخاطب کمک می‌کند تا به توحید دست یابد و با بیان نقش پیامبران در هدایت انسان‌ها به اهمیت پیروی از پیامبران و آموزش بر نبوت تأکید می‌کند. هم‌چنین با توصیف صفات پسندیده مانند تقوا، صبر، شکرگزاری و صفات ناپسند مانند تکبر، حسد و کینه به آموزش اخلاق می‌پردازد.

۴. **گزاره‌های توصیفی عادی:** این گزاره‌ها بیان‌گر وقایع و حوادث روزمره مانند توصیف وقایع روزمره مانند آفرینش آسمان، زمین و گیاهان هستند.

۵. **گزاره‌های توصیفی صحنه:** توصیف صحنه‌های مختلف مانند آفرینش، قیامت و عبادت فرشتگان با این گزاره‌ها صورت می‌پذیرد. عباراتی مانند «وَنَادَاهَا بَعْدَ إِذْ هِيَ دُخَانٌ فَأَلْتَحَمَتْ غُرَى أَشْرَاجِهَا» (همان)، (ترجمه): «پس از آن‌که آسمان‌ها به صورت دود بود آن را برای شکل‌گرفتن ندا داد تا اجزایش زنجیروار به هم پیوست» و «وَسُتْرَاتِ الْحُجُبِ وَسُرَادِقَاتِ الْمَجْدِ» (همان)، (ترجمه): «در میان پهنه باز آسمان و پرده‌های حجاب و سراپرده‌های جلال و مجد طنین‌انداز است» نمونه‌هایی از این گزاره هستند. عبارت «كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى مَوْرِ أَمْوَاجِ مُسْتَفْجَلَةٍ وَلُجَجِ بَحَارِ زَاخِرَةٍ» (همان)، (ترجمه): «زمین را در امواج شدید و با صولت و در دریا‌های پر آب فرو برد» نیز نمونه‌ای از گزاره توصیفی صحنه

است که تصویری زنده از آفرینش زمین ارائه می‌دهد. در این گزاره با استفاده از زبان ادبی و طرح‌واره‌ای تصویری به چگونگی قرارگرفتن زمین بر روی آب و آرام‌شدن امواج پس از آن اشاره می‌شود و علاوه بر توصیف یک رویداد آفرینشی به نمایش قدرت و حکمت خداوند در آفرینش جهان نیز پرداخته می‌شود.

گزاره‌های مختلف متن، گویای ایدئولوژی توحیدی، اخلاقی و انسان‌گرایانه‌ای است که بر اساس باور به یک خدا، عدالت، آزادی اراده، مسئولیت انسان و اهمیت شناخت خداوند استوار است. این ایدئولوژی توحیدی و اخلاق‌مدار بر اساس شناخت خداوند، عمل صالح، عدالت و اعتقاد به آخرت بنا شده است و به دنبال ایجاد یک انسان کامل و جامعه‌ای عادلانه و سعادت‌مند است. متن خطبه با استفاده از زبان روایی و توصیفی به مخاطب خود تصویری جامع و کامل از قدرت و عظمت خداوند و آفرینش جهان هستی ارائه می‌دهد.

۳.۳. جهان زیرشمول

جهان‌های زیرشمول، جهان‌های کوچک‌تری هستند که در درون جهان متن اصلی قرار دارند. ورث معتقد است که «در دنیای متن که «بیرونی» توسط گفتمان مشخص شده است، جهان‌های ذهنی نیز وجود دارند که «درونی» توسط شخصیت‌ها مشخص می‌شوند» (werth, 1999: 56). در خطبه اشباح، می‌توان جهان‌های زیرشمول متعددی را شناسایی کرد که هر یک به نوعی به جهان کلی خطبه مرتبط هستند. برخی از این جهان‌ها عبارتند از:

۱. **جهان خداوند:** این جهان، بزرگ‌ترین جهان زیرشمول در خطبه است. خداوند به عنوان خالق، رازق، عالم، قادر مطلق و... توصیف می‌شود که جهان هستی را از عدم به وجود آورده است. صفات و افعال خداوند در این جهان به صورت گسترده و با زبان ادبی و توصیفی بیان شده است. در این جهان، به رابطه انسان با خداوند و مفاهیم توحید و شرک و تفاوت بین آن‌ها اشاره می‌شود.

۲. **جهان آفرینش:** فرآیند آفرینش، نظم حاکم بر جهان و شگفتی‌های خلقت از جمله موضوعات این جهان هستند و در این جهان به آفرینش آسمان‌ها و زمین، انسان و فرشتگان و تفاوت آن‌ها با یکدیگر و هماهنگی در جهان پرداخته می‌شود.

۳. **جهان انسان:** رابطه انسان با خدا، جایگاه او در جهان و تکالیف او از جمله موضوعات این جهان هستند. در این جهان، به طبیعت دوگانه انسان؛ یعنی هم جنبه‌های الهی و هم جنبه‌های حیوانی در انسان، ارتباط انسان با خدا و مسئولیت انسان در برابر او و جامعه، اشاره می‌شود. روح و روان انسان به عنوان اصل و اساس انسانیت و جایگاه آن در عالم هستی، اهمیت شناخت خداوند و راه‌های دستیابی به آن نیز در این جهان مورد تأکید است.

۴. **جهان اخلاق:** این جهان به مسائل اخلاقی و ارزش‌ها می‌پردازد. مفاهیمی مانند ایمان، تقوا، توحید، عدالت و... در این جهان مورد بحث است و هم‌چنین، اخلاق نیکو، عبادت و پرهیز از گناه به عنوان وظایف اصلی انسان و اهمیت اخلاق در زندگی فردی و اجتماعی او معرفی شده است.

۵. **جهان زبان و بیان:** یکی دیگر از جهان‌های زیرشمول متن، جهانی است که در آن به نقش زبان و بیان در انتقال مفاهیم دینی و اخلاقی پرداخته شده است. در عبارت «وَلَمْ يَجِفَّ لَطُولُ الْمُنَاجَاةِ أَسْلَاثُ أَلْسِنَتِهِمْ» (خطبه: ۹۱)، (ترجمه): «راز و نیاز طولانی زبانشان را نخشکانده»، مناجات به عنوان یک رویکرد زبانی و بیانی، ابزاری برای انتقال مفاهیم و

۴.۳. تحلیل کلامی صفات خداوند در خطبه اشباح

جهت تحلیل صفات خداوند در متن خطبه اشباح از دیدگاه کلامی، می‌توان به سه دسته اصلی از صفات که امام علی (ع) به آن‌ها اشاره کرده‌اند پرداخت که عبارتند از:

۱. **صفات ذاتی (سلبی):** این صفات، خداوند را از هرگونه نقصی که در مخلوقات وجود دارد، منزّه می‌دانند. هدف اصلی این بخش از خطبه، رد نظریات تجسیم و تشبیه است. برخی از این صفات عبارتند از:

- وحدت و بی‌همتایی: امام (ع) به صراحت می‌فرماید: «... لَا نِدَّ لَكَ» (همان)، (ترجمه): «برای تو هیچ همتایی نیست» و «... لَمْ يَعْقُدْ غَيْبَ ضَمِيرِهِ عَلَى مَعْرِفَتِكَ... إِذْ تُسَوِّكُم بِرَبِّ الْعَالَمِينَ» (همان)، (ترجمه): «... در غیب وجودش خالی از معرفت توست... که شما را با پروردگار عالمیان برابر می‌کردیم». این عبارات، هرگونه برابردانستن و هم‌تا قائل‌شدن برای خداوند را رد می‌کنند.

- بی‌مکانی و بی‌زمانی: «لَمْ يَكُنْ لَهُ قَبْلُ... وَ الْآخِرُ الَّذِي لَيْسَ لَهُ بَعْدُ...» (همان)، (ترجمه): «اول است که قبلی برایش نیست... و آخر است که بعدی برایش نیست». هم‌چنین «... وَلَا كَانَ فِي مَكَانٍ فَيَجُوزُ عَلَيْهِ الْإِنْتِقَالُ» (همان)، (ترجمه): «و در مکانی نیست تا انتقال برایش جایز باشد». این عبارات، خداوند را فراتر از قیود زمان و مکان می‌دانند.

- نداشتن جسم و اعضا: امام (ع) قاطعانه می‌فرماید: «... مَنْ شَبَّهَكَ بِتَبَائِنِ أَعْضَاءِ خَلْقِكَ...» (همان)، (ترجمه): «کسی که تو را به مخلوقی دارای اعضای مختلف تشبیه کند...» و «... كَذَبَ الْعَادِلُونَ بِكَ إِذْ شَبَّهُوا بِأَصْنَامِهِمْ... وَجَزَأُوكَ بَحْزَةِ الْمُجَسِّمَاتِ بِخَوَاطِرِهِمْ» (همان)، (ترجمه): «آن‌ان که برای تو نظیر قائل شدند دروغ گفتند... تو را مانند اجسام دارای اجزا دانستند». این تأکید، اساس تنزیه الهی را تشکیل می‌دهد.

- بی‌نیازی از عقل و اندیشه مخلوق: «الَّذِي لَمْ تَتَنَّهُ فِي الْعُقُولِ فَتَكُونَ فِي مَهَبٍ فِكْرُهَا مُكَيِّفًا... وَلَا فِي رَوِيَّاتِ خَوَاطِرِهَا فَتَكُونُ مُحْدُودًا مُصَرِّفًا» (همان)، (ترجمه): «نهایتی در عقل‌ها برای تو نیست... و در اندیشه‌ها محدود نمی‌شوی». این عبارت به ناتوانی عقل در درک ذات خداوند اشاره دارد و او را فراتر از هرگونه تصور یا کیفیت‌بخشی ذهنی می‌داند.

بر اساس نظریه جهان متن ورث، خطبه اشباح یک جهان متن کاملاً متفاوت با جهان‌های ملموس توصیفی ایجاد می‌کند. به جای ساخت جهان متن از طریق توصیف مکان، زمان و شخصیت‌های قابل تصور، این متن یک جهان را از طریق نفی ویژگی‌ها می‌آفریند. در این جهان، صفات خداوند نه بر اساس شباهت به مخلوقات، بلکه بر اساس تفاوت بنیادین با آن‌ها تعریف می‌شوند. این رویکرد، خواننده را به یک جهان ذهنی انتزاعی و فراحسی هدایت می‌کند. این متن، یک جهان متنی منحصر به فرد را در ذهن خواننده می‌آفریند که در آن، خدا از طریق «نیست‌ها» و «لاها» تعریف می‌شود. صفات خداوند در این خطبه به گونه‌ای تحلیل می‌شوند که فرآیندهای شناختی نفی و تباین را در ذهن فعال می‌کنند.

۲. **صفات ذاتی (ثبوتی):** این صفات، کمالات وجودی را برای خداوند اثبات می‌کنند، اما نه به همان معنایی که در مخلوقات وجود دارد و نیز بر مطلق‌بودن و بی‌نهایت‌بودن ذات الهی تأکید دارند؛ به‌طور مثال:

- اول و آخر بودن: «الْأَوَّلُ... وَالْآخِرُ...». این صفت، قدمت و ابدیت خداوند را بیان می‌کند، بدون آن‌که محدود به یک ترتیب زمانی باشد.

- قادر مطلق: «هُوَ الْقَادِرُ...» (همان)، (ترجمه): «او توانایی است...». این صفت، قدرت بی‌نهایت خداوند را در

آفرینش و تدبیر هستی توصیف می‌کند، قدرتی که هیچ و هم و فکری قادر به درک نهایت آن نیست.

- خالق و آفریننده: «ابْتَدَعَ الْخَلْقَ عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ امْتَثَلَهُ...» (همان)، (ترجمه): «آفریده‌ها را بدون اقتباس از نمونه‌ای به وجود آورد...». این عبارت بر صفت ابداع خداوند تأکید دارد به این معنا که خلقت او از هیچ الگو و طرح قبلی‌ای پیروی نکرده است.

۳. صفات فعلی: این صفات به افعال و کنش‌های خداوند در ارتباط با مخلوقات اشاره دارند و از مقام فعل او نشأت می‌گیرند؛ مثلاً:

- جود و کرم: «الْمَنَّانُ بِقَوَائِدِ النِّعَمِ...» (همان)، (ترجمه): «بخشنده انواع نعمت‌ها» و «الْجَوَادُ الَّذِي لَا يَغِيضُهُ سُؤَالُ السَّائِلِينَ» (همان)، (ترجمه): «او بخشنده‌ای است که درخواست خواهندگان از او نمی‌کاهد». این صفات، بخشش و فضل بی‌انتهای الهی را نشان می‌دهند.

- روزی دهنده و تدبیرکننده: «ضَمِنَ أَرْزَاقَهُمْ وَ قَدَّرَ أَقْوَامَهُمْ...» (همان)، (ترجمه): «روزی‌شان را ضمانت کرد و قوتشان را مقدر فرمود». هم‌چنین «دَبَّرَهُ فَالْطَّفَ تَدْبِيرُهُ» (همان)، (ترجمه): «تدبیر کرد و به خوبی تدبیر نمود». این عبارات بر صفت ربوبیت و تدبیر حکیمانه خداوند در اداره امور عالم دلالت دارند.

تحلیل صفات خداوند در خطبه اشباح بر اساس نظریه جهان متن پل ورث نشان می‌دهد که امیرالمؤمنین (ع) به جای پاسخ مستقیم به سؤال، یک جهان متن متافیزیکی و انتزاعی را در ذهن سائل و مخاطبان خلق می‌کند. این جهان به جای توصیف «هست‌ها» از طریق تبیین «نیست‌ها» و نفی شباهت‌های مخلوقات ساخته می‌شود. این رویکرد، خواننده را به سفری شناختی و کلامی می‌برد که در آن، هر قدم ذهنی برای شناخت خدا از طریق مقایسه با یک گزاره نافی روبه‌رو می‌شود و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که شناخت خداوند در عظمت مطلق و تفاوت بنیادین با هرآنچه در ذهن می‌گنجد، نهفته است. خطبه اشباح با ارائه این تقسیم‌بندی دقیق از صفات الهی، رویکردی تنزیهی و ضدتشبیهی را در کلام شیعه تثبیت می‌کند. هم‌چنین، امام علی (ع) با برشمردن صفات سلبی، هرگونه محدودیت، نقص یا همانندی برای خداوند را رد کرده و سپس با ذکر صفات ثبوتی، کمال مطلق او را اثبات می‌نماید. در نهایت با تأکید بر صفات فعلی، رابطه خداوند با مخلوقات را از منظر رحمت، قدرت و تدبیر تبیین می‌کند.

نتیجه‌گیری

تحلیل خطبه اشباح بر اساس نظریه جهان متن ورث نشان می‌دهد که خطبه با استفاده از ساختاری منسجم، تصویری جامع و همه‌جانبه از جهان‌های گفتمانی متنوع از جمله خداوند، جهان هستی و انسان ارائه می‌دهد. هر یک از این جهان‌های گفتمانی به هم پیوسته و مکمل یکدیگر هستند و در نهایت، تصویری کامل و منسجم از جهان هستی و جایگاه انسان در آنرا ارائه و یک کل واحد را تشکیل می‌دهند. در این خطبه بر اهمیت عقل و اندیشه تأکید شده، اما در عین حال به محدودیت‌های عقل در شناخت خداوند نیز اشاره شده است. پیش‌فرض‌های معنایی جهان متن با نقش‌آفرینی عناصر جهان‌ساز متن و بسط آن‌ها به کمک گزاره‌های نقش‌گستر در نقاط مختلف خطبه، گویای جهانی دوگانه است که بر محور خالقیت خداوند به دو بخش انسان و هستی تقسیم می‌شود. رویدادهایی چون: خلقت انسان، امتحان او، پاداش و عقاب، زندگی پس از مرگ و ایده‌هایی مانند ایمان، کفر، پاداش و عقاب، عدالت، رحمت و قدرت خداوند نیز در

جهان متن نقش‌آفرینی می‌کند تا جهانی ملموس‌تر برای مخاطب ساخته شود. امام علی (ع) با استفاده از زبان توصیفی و تعلیمی به مخاطب خود تصویری از عالم ملکوت و موجودات آسمانی ارائه می‌دهد. ایشان با توصیف ویژگی‌های ممتاز فرشتگان به مخاطب خود انگیزه می‌دهد تا به تقلید از آنان به عبادت و بندگی خداوند بپردازد. هم‌چنین، مفاهیم کلیدی به عنوان عناصر ساختاری متن خطبه عمل می‌کنند و در راستای بازسازی جهان‌های زیرشمول به صورت جزیره‌ای و یک واحد خرد، اصول اساسی یک دنیای ایدئولوژیک را پایه‌ریزی می‌کنند. توحید به عنوان بنیادی‌ترین اصل اعتقادی، عدل الهی و عدالت در نظام هستی، عقل و وحی به عنوان دو منبع شناخت خداوند و آخرت به عنوان پاداش یا عقاب اعمال انسان‌ها در این خطبه مطرح شده است. هم‌چنین، خطبه به ابعاد مختلف واقعیت‌ها می‌پردازد؛ از واقعیت مادی و طبیعی تا واقعیت معنوی و متافیزیکی. به‌طور کلی می‌توان چنین اظهار داشت که جهان متن خطبه، بازتابی از جهان‌بینی اسلامی است و هدف اصلی آن، تبیین توحید و شناخت خداوند است. حضرت علی (ع) با استفاده از جهان متن، سعی کرده است تا انسان را به تفکر درباره عظمت و قدرت خداوند وادار کند و مخاطب را وارد گفتمان توحیدی نماید و به پرسش‌گر مشتاق، نه یک تصویر محسوس از خداوند، بلکه یک راه معرفتی بر پایه تعقل و تنزیه را ارائه می‌دهد.

پی‌نوشت‌ها

1. Text World
2. Paul Werth
3. Peter Stockwell
4. Joanna Gavins
5. Formalist
6. Conceptual Metaphor
7. Image Schemas
8. Mental Spaces
9. Cognitive Semantics
10. Mental Space Theory

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. استاکول، پیتر. (۱۳۹۶). *بوطیقای شناختی*. ترجمه محمد رضا گلشنی. تهران: علمی.
۴. ابن ابی‌الحدید، عبد الحمید بن هبة الله. (۱۳۷۸ق). *شرح نهج البلاغه*. بتحقیق محمد أبو الفضل إبراهیم. بیروت: دار إحياء الكتب العربیة.
۵. ابن میثم بحرانی، کمال‌الدین میثم بن علی. (۱۳۸۹ق). *شرح نهج البلاغه*. مترجمان: قربانعلی محمدی مقدم، علی اصغر نوایی یحیی زاده. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۶. الجیلانی، رفیع‌الدین محمد. (۱۳۸۸). *الذریعة إلى حافظ الشریعة*. ج ۱. قم: دارالحديث.
۷. الخوئی، حبیب‌الله. (۱۴۰۰ق). *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه*. ج ۶. طهران: المكتبة الإسلامية.
۸. رسولی، حجت، احمدی، شیلر. (۱۴۰۲). «شاخصه‌های رویکرد صورت‌گرایی روسی در عیار الشعر ابن طباطبا». *زبان و ادبیات عربی*. دوره ۱۵. شماره ۴. ص ۴۰-۲۰. <https://doi.org/10.22067/jallv15.i4.2210-1203>

۹. سبحانی، شیخ جعفر. (۱۳۸۸). *منشور جاوید*. ج ۱. قم: موسسه امام صادق (ع).
۱۰. الشریفی، عبدالهادی. (۱۳۸۴). *تهذیب، شرح نهج البلاغه لابن أبی الحدید المعتزلی*. ج ۱. قم: دارالحديث.
۱۱. صادقی اصفهانی، لیلا. (۱۴۰۰). *نقد ادبی با رویکرد شناختی*. تهران: لوگوس.
۱۲. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۹۸۱م). *الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة*. ج ۶. بیروت: دار إحياء التراث العربی. 10.22034/isqs.2025.50037.2346
۱۳. محبی، گل افروز، نوازی، حسین. (۱۴۰۴). «تحلیل ساختار نشانه‌شناختی سوره عادیات (بر اساس الگوی رمزگان رولان بارت)». *مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی*. دوره ۹. شماره ۲. صص ۱۶۶-۱۳۵.
۱۴. محبی، گل افروز، صیادی‌نژاد، روح‌الله رسول‌نیا، امیرحسین، اقبالی، عباس. (۱۴۰۳). «بازتولید رمزگان سروده «لَکُلِّ امرئٍ من دَهره ما تَعَوَّدَا» متنبی (بر اساس الگوی رمزگان رولان بارت)». *زبان و ادبیات عربی*. دوره ۱۶. شماره ۴. صص ۱۷-۱. jallv16.i4.2202-1107/۱۰,۲۲۰۶۷
۱۵. هاشمی خویی، میرزا حبیب‌الله. (۱۴۰۰ق). *منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه*. ج ۶. ترجمه حسن زاده آملی، حسن و کوه‌کمره‌ای، محمد باقر. تهران: مکتبه‌الاسلامیه.

16. Gavins, J. (2007). *Text World Theory: An Introduction*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
17. Stockwell, P. (2002). *Cognitive Poetics: An Introduction*. New York: Routledge.
18. Werth, P. (1999). *Text Worlds: Representing Conceptual Space in Discourse*. Harlow: Longman.
19. Wittgenstein, L. (1953). *Philosophical Investigations*. Translated by G. E. M. Anscombe. Oxford: Basil Blackwell.

References

- Holy Quran*. [In Arabic]
Nahj al-Balagha. [In Arabic]
 Gavins, J. (2007). *Text World Theory: An Introduction*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
 Hashemi Khoi, M. (2021). *Minhaj al-Bara'a in the description of Nahj al-Balagha*. C. Translated by Hasanzadeh Amoly, Hassan and Kohkamerai, Mohammad Baqer. Tehran: Islamic Library. [In Persian]
 Ibn Abi al-Hadid, A. (1958). *Description of Nahj al-Balagha*. Researched by Mohammad Abulfazl Ibrahim. Beirut: Dar Ihya al-Katb al-Arabiya. [In Arabic]
 Ibn Maitham Bahrani, K. (2010). *Description of Nahj al-Balagha*. Translators: Qorban Ali Mohammadi Moghadam, Ali Asghar Navaei Yahiizadeh. Mashhad: Islamic Research Foundation. [In Persian]
 Jilani, R. (2009). *Al-Sharia to Hafiz al-Sharia*. C. 1. Qom: Dar al-Hadith. [In Persian]
 Al-Khoei, H. (1979). *Minhaj al-Bara'ah fi Sharh Nahj al-Balaghah*. Vol. 6. Tehran: Al-Maktabah al-Islamiyyah. [In Arabic]
 Mohebbi, G. A., Sayadinejad, R., Rasoulnia, A. H., Iqbali, A. (2023). Reproduction of the code of the poem "لَکُلِّ امرئٍ من دَهره ما تَعَوَّدَا" by Mutanabi (based on the code of Roland Barthes). *Arabic Language and Literature*. Volume 16. Number 4. pp. 1-17. 10.22067/jallv16.i4.2202-1107 [in Persian]
 Mohebbi, G. A., & Navazni, H. (2025). Analyzing the semiotic structure of Surah Adiyat (based on Roland Barthes code pattern). *Quranic Studies and Islamic Culture*. 9(2). pp. 135-166. 11.22034/isqs.2025.50037.2346 [in Persian]
 Rasouli, H., & Ahmadi, Sh. (1402). The characteristics of the Russian formalism approach in Ibn Tabataba's poetry. *Arabic language and literature*. Volume 15. Number 4. P. 20-40. <https://doi.org/10.22067/jallv15.i4.2210-1203> [in Persian]
 Sadeghi Esfahani, L. (2021). *Literary criticism with a cognitive approach*. Tehran: Logos. [In Persian]

- Sadr al-Din Shirazi, M. (1981). *Al-Hikama Al-Mutalia in Al-Asfar Al-Aqliyyah*. C. 6. Beirut: Revival of Arab Heritage. [In Arabic]
- Al-Sharifi, A. (2005). *Tahdeeb, commentary on Nahj al-Balagha by Ibn Abi al-Hadid al-Mu'tazili*. C1. Qom: Dar al-Hadith. [In Persian]
- Sobhani, Sh. (2009). *The charter is eternal*. C 1. Qom: Imam Sadiq Institute (AS). [In Persian]
- Stockwell, P. (2016). *Cognitive boutique*. Translated by Mohammad Reza Golshani. Tehran: Scientific. [In Persian]
- Stockwell, P. (2002). *Cognitive Poetics: An Introduction*. New York: Routledge.
- Werth, Paul. (1999). *Text Worlds: Representing Conceptual Space in Discourse*. Harlow: Longman.
- Wittgenstein, L. (1953). *Philosophical Investigations*. Translated by G. E. M. Anscombe. Oxford: Basil Blackwell.